



تاریخ فقہ اسلامی

از دیدگاه اہل سنت

مؤلف: محمد علی سائیں

مترجم: عبد الاحد فضلی

تاریخ فقه اسلامی

مؤلف: محمد علی سائیس

مترجم: عبدالاحد فضلی

ناشر: نشر احسان

چاپ: مهارت

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول - ۹۴

قیمت: ۸۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۴۹-۰۹۲

سائیس، محمد علی

تاریخ الشریعة الاسلامیة. فارسی

تاریخ فقه اسلامی / مؤلف علی سائیس؛

مترجم عبدالاحد فضلی

تهران: نشر احسان، ۱۳۹۴

۲۴۳ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۴۹-۰۹۲-۵

موضوع: فقه -- تاریخ

شناسه افزوده: فضلی، عبدالاحد، ۱۳۵۶.

رده بندی کنگره: ۱۳۹۴: ۲۱۶ س BP۱۴۸

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۳۹

شماره کتابشناسی ملی: ۳۶۱۲۵۴۴



نشر احسان

تهران: خ انقلاب، روی روی دانشگاه تهران.
پاساز فروزنده، شماره ۲۰۶، تلفن: ۶۶۹۵۴۲۰۴

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست

۹	مقدمه
۱۱	سخن مؤلف
۱۳	تاریخ رون قانونگذاری در اسلام
۱۵	پیشگفتار
۱۵	معنای تشریع
۱۹	نیاز به قانونگذاری
۲۴	تشریع آسمانی و وضعی
۲۴	تفاوت میان تشریع آسمانی و وضعی
۲۷	روند تاریخی قانونگذاری اسلامی
۲۷	وضعیت اعراب در زمان بعثت رسول ﷺ

دوره‌ی اول

تشریع در زمان پیامبر ﷺ

۳۲	قانونگذاری در مکه‌ی مکرمه
۳۳	تشریع در مدینه‌ی منوره
۳۶	منابع تشریع در این عصر
۳۶	۱- کتاب
۳۸	چگونگی نزول قرآن
۳۸	نزول بر حسب پیشامدها و مناسبت‌های گوناگون
۴۳	نزول تدریجی قرآن و حکمت آن

۴۵	فوائد آگاهی از اسباب نزول قرآن
۴۸	آغاز و پایان قرآن از نظر نزول
۵۲	نزول قرآن بر هفت حرف
۵۴	نگارش و حفظ قرآن
۵۶	آیات مکی و مدنی قرآن و ویژگی‌های هر یک از آنها
۵۶	مکی و مدنی
۵۷	ریزگی‌های هر یک از آیات مکی و مدنی
۵۹	اساس تفسیر قرآن
۶۸	۲- سنت
۶۸	تعریف سنت
۶۸	حجیت و تألیف سنت در قانونگذاری اسلامی
۷۲	جایگاه سنت در قانونگذاری
۷۳	اجتهاد در زمان پیامبر ﷺ
۷۷	اجازه‌ی پیامبر ﷺ به اصحابش در اجتهاد
۸۰	حکمت اجتهاد پیامبر ﷺ و اجتهاد اصحاب در اجتهاد

دوره دوم

قانونگذاری در زمان خلفای راشدین

۸۳	چگونگی تشریع در این عصر
۸۵	۱- کتاب
۹۱	۲- سنت
۹۵	۳- اجماع
۹۶	۴- رأی
۹۹	نمونه‌هایی از اختلاف نظریه‌های فقهی صحابه
۱۰۸	چکیده‌ی مباحث پیشین درباره‌ی عوامل اختلاف صحابه در اجتهاد
۱۰۸	عوامل اختلاف صحابه در سه گزینه خلاصه می‌شود:
۱۱۲	مشهورترین صاحبان فتوا در این عصر

دوره‌ی سوم

قانونگذاری اسلامی از پایان عهد خلفای راشدین تا اوایل قرن دوم هجری

۱۲۷	وضعیت تشریع در این عصر
۱۲۹	درباره‌ی خوارج به طور عموم چه می‌دانید؟
۱۳۰	خوارج
۱۳۱	آموزه‌ها و دستورهای عقیدتی خوارج
۱۳۱	تعالیم مشهور و متفاوت آنها از دیگران
۱۳۳	پراکندگی علمای مسلمان در شهرهای مختلف
۱۳۴	گسترش تفقه و حدیث
۱۳۶	پیدایش جاعلین حدیث
۱۴۰	خیزش علما در برابر ساختن حدیث
۱۴۰	تأثیر ساخت احادیث در تشریع
۱۴۱	پیدایش علمای غیر عرب
۱۴۳	تقسیم علما به اهل رأی و اهل حدیث
۱۴۴	گسترش مذهب حدیث در حجاز، یمن، انگیزه‌ها و امتیازهای آن
۱۴۵	گسترش مذهب رأی در عراق، علل و امتیاز آن
۱۴۶	دلایل روی آوردن علمای عراق به اجتهاد
۱۴۷	ویژگی‌های مذهب اهل رأی
۱۵۰	سعید بن مسیب
۱۵۲	نافع، خدمتکار عبدالله بن عمر بن خطاب
۱۵۳	علقمه بن قیس نخعی
۱۵۳	ابراهیم نخعی (کوفی)
۱۵۴	حسن بصری

دوره‌ی چهارم

تشریع از اوایل قرن دوم تا نیمه‌ی قرن چهارم هجری

- ۱۵۵ وضعیت قانونگذاری در این دوره
- ۱۵۶ شاط و گسترش تشریع اسلامی
- ۱۵۸ عوامل نشاط و پویایی تشریع در دوره‌ی چهارم
- ۱۵۸ ۱- توجه خلفا به فقه و فقها
- ۱۵۹ ۲- آزادی از عقیده
- ۱۶۰ ۳- فراوانی پژوهش‌ها و جلسه‌های مناظره
- ۱۶۱ ۴- کثرت حدیث‌های نوین
- ۱۶۲ ۵- تأثیر پذیرش اندیشه‌ها از فرهنگ مردمان دیگر
- ۱۶۳ ۶- تدوین علوم
- ۱۷۲ زندگینامه‌ی پیشوایان مذاهب چهارگانه
- ۱۷۲ ابوحنیفه
- ۱۷۹ اصحاب معروف ابوحنیفه
- ۱۷۹ ابویوسف
- ۱۸۱ محمد بن حسن شیبانی
- ۱۸۲ تأثیر اصحاب ابوحنیفه در فقه حنفی
- ۱۸۳ مسائل فقه در نزد حنفیان
- ۱۸۳ ۱- اصول
- ۱۸۳ ۲- نوادر
- ۱۸۳ ۳- فتواها
- ۱۸۴ امام مالک و زندگی علمی او
- ۱۸۷ اصول زیربنایی مذهب امام مالک
- ۱۹۰ گرفتاری و رنجش او
- ۱۹۱ یاران مشهور امام مالک
- ۱۹۱ عبدالرحمن بن قاسم
- ۱۹۲ ابو محمد عبدالله بن وهب

۱۹۳.....	امام شافعی
۱۹۹.....	اسماعیل بن یحیی مزنی
۲۰۰.....	بویطی
۲۰۱.....	امام احمد بن حنبل رحمته الله

دوره ی پنجم

نشیع از نیمه ی قرن چهارم تا سقوط بغداد در سال ۶۵۶ هجری

۲۰۷.....	چگونگی و نسبت تشریع در این دوره
۲۱۱.....	کارکرد نما در این دوره
۲۱۲.....	۱- ریشخوری احکام
۲۱۳.....	۲- ترجیح و اختیار از میان دیدگاه های مختلف درون یک مذهب
۲۱۳.....	الف- ترجیح از جهت ریاست
۲۱۴.....	ب- ترجیح از جهت درایت
۲۱۵.....	۳- پشتیبانی از مذاهب

دوره ی ششم

چگونگی تشریع از نیمه ی قرن هفتم تا زمان حاضر

۲۱۷.....	انتشار تقلید
۲۲۲.....	علل تقلید و پیامدهای آن
.....	زندگی نامه ی برخی از علمای این عصر که با برخورداری از آثار مشخصه، متمایز از دیگرانند
۲۲۵.....	۱- علمای احناف
۲۲۵.....	عبدالله بن احمد بن محمود، حافظ الدین نسفی
۲۲۵.....	ابو محمد عثمان بن زیلعی محجن، ملقب به فخرالدین زیلعی
۲۲۶.....	کمال بن همام
۲۲۷.....	عینی

- ۲۲۸..... ابن نجیم
- ۲۲۸..... ۲- علمای مالکیان
- ۲۲۸..... خلیل
- ۲۲۹..... الاجهوری
- ۲۲۹..... خرسی
- ۲۲۹..... المدوی
- ۲۳۰..... ۱- علمای شافعیان
- ۲۳۰..... محمد الدین زوی
- ۲۳۰..... تقی الدین سبکی
- ۲۳۲..... ابن حجر عسقلانی
- ۲۳۲..... ۴- علمای حنبلیان
- ۲۳۲..... ابن تیمیه
- ۲۳۴..... ابن القيم
- ۲۳۵..... اقدامات لازم در راستای تقویت نهضت فکری در عصر حاضر

مقدمه‌ی مترجم

فقه اسلام در هفتاد و چهار هزار و چهار صد ساله‌ی خود، مراحل گوناگونی را گذرانده که رهاورد آن تصحیح و ترمیمی پژوهشگران در برنامه‌ریزی دروس گوناگون برای بررسی فراز و نشیب‌های قانون‌گذاری و آنالیز دگرگونی‌های آن از زمان پیامبر تا قرن پانزده گردید.

بررسی تاریخ فقه اسلامی، اینک ارزش بالایی دارد، فقط بازگویی گذشته نیست؛ بلکه انگیزاننده‌ی حس اعتماد و نفوذ در دانشجو برای به دست آوردن خبرگی و سبب شعله‌ور شدن توانایی ویژه‌ی دانشجو و او را در بررسی عمیق و فهم فقه اسلامی یاری می‌رساند. علاوه بر آن به ما می‌فهماند که پیشینیان نیک‌اندیش ما چه رنج‌هایی را پذیرا شده‌اند تا این امانت را به ما سپرده‌اند؛ درس عبرتی برای ما باشد در برابر وظیفه‌ی خود نسبت به نسل‌های آینده شوشا باشیم، ولی از این نکته نیز غافل نباشیم که مانند برخی از گذشتگان مان، سعی نکنیم احکام فقهی مسائلی را که در زندگانی آنها روی خواهد داد، معین نماییم؛ بلکه این را به خداوند بسپاریم تا با ملکه‌ی اجتهاد و دانش خود با مراجعه به قوانین به روز اسلام، از امتیاز ویژه‌ی اسلام که همان به روز بودن آن است، کمال استفاده را ببرند.

بررسی تاریخ فقه اسلامی، این نکته را نیز به ما می‌آموزد که اختلاف فقهی، امری اجتناب‌ناپذیر است. پس شایسته نیست همدیگر را به خاطر برخورداری از آرای فقهی متفاوت، تخطئه کنیم؛ بلکه با رعایت احترام و جایگاه یکدیگر، تنها به بررسی علمی نظریات پرداخته و سلمان وار در جستجوی حق و رسیدن به سنت پاک پیامبر ﷺ باشیم. با نگاه به تاریخ فقه اسلامی به موارد زیادی بر می‌خوریم که فقها و

پیشوایان مذاهب، از نظریات و فتاوای خود دست برداشته و به حق - که همان سنت مطهر پیامبر ﷺ است و از زبان هر کس که باشد - چنگ می زدند و با این رفتار خود به ما می فهماندند که اولاً معصوم نیستند و ممکن است در هر برهه ای از زمان، اشتباه آنان محرز شود، ثانیاً به ما با زبان حال می گویند که هیچ تعصبی نسبت به دیدگاه های خود ندارند. پس بر ماست که ما نیز تعصب خشک در برابر نظریات آنان را با پیروی و «خواب» از آنها، کنترل نماییم و در جستجوی سنت رسول الله ﷺ باشیم.

در پایان، از خداوند منان سپاسگزارم که توفیق ترجمه ی این کتاب با ارزش را به زبان فارسی داد تا برادران و خواهران فارسی زبان هم از درون مایه پر بار آن بهره ببرند و سهمی در افزایش علمی جامعه داشته باشیم.

در بسیاری از مواقع که به آن، استناد شده است، آیه ها بدون ترجمه ذکر شده اند تا اینگونه به حجم کتاب افزوده نشود، بنابراین از دوستان، تمناً داریم به ترجمه های معروف قرآن و ترجیحاً به ترجمه های نور، اثر دکتر مصطفی خرم دل مراجعه شود. از آن جایی که این ترجمه، اولین بار در رفته ای بنده بوده است، قطعاً از نواقص عدیده ای برخوردار خواهد بود، بنابراین از دوستان و برادران ایمانی ام، خواهانم، بنده را از نظریات علمی خود با ارسال به ایمیل درج شده بهره مند سازند.

در اینجا جا دارد از همه ی عزیزانی که در صلاح و چاپ این کتاب کمال همکاری را داشته اند، و خصوصاً از مدیر محترم نشر احسان ماموستا عبدالرحمن یعقوبی که به جوانانی چون بنده اعتماد نموده و پیوسته از خیریت دین و دانش می باشند، تشکر کنم و از خداوند خواهانم جزای خیر به آنان عطا نماید.

این ترجمه را به پدر و مادر عزیزم، فرزند، همسر صبور و به برادرانم که در زیر آفتاب سوزان عرق ریختند و کار کردند تا من در سایه ی خنک به تحصیل علم پردازم، تقدیم می نمایم. «جزاهم الله عنا خیراً»

عبدالاحد فضل‌ی ۱۳۸۹/۴/۸

گلستان - روستای اورجنلی

Anas.fazli@yahoo.com

سخن مؤلف

مایش خداوندی را که راه درست را الهام کرده، ما را به رشد و کمال هدایت می‌کند و درود و رحمت خداوند بر همه‌ی پیامبرانش و سرور برگزیدگانش محمد ﷺ و بر اهل بیت و یارانش باد.

این نوشتار مجموعه‌ای درباره‌ی تاریخ شریعت اسلامی است که به خوانندگان آن، ظهور و پیدایش دوره‌های فقه اسلامی را نشان داده و باعث دریافت آگاهی‌های لازم پیرامون منابع مذاهب فقه اسلامی خواهد گردید. مزایا و مقاصد قانونگذاری اسلامی را بیان خواهد کرد؛ و به دنبال آن است تا رنج‌های پیامبر ﷺ و یارانش در راه پی‌ریزی ستون‌های محکم فقه اسلامی را با تصویر کشد و نشان دهد چگونه پیشینیان مسلمانان، توان خویش را در خدمت این شریعت و بررسی ریشه‌ی اسرار آن و جستجو از احکام اسلام، تقدیم نموده‌اند؛ به خوانندگان محترم، آشکار می‌فهماند که فقه اسلامی، زاینده‌ی اهداف عالی و زحماتی پاک و مبارک بوده است.

همچنین این کتاب، اخبار و زندگینامه‌ی فقها و تاریخ حمله زندگی بزرگ‌مردان اسلام را بازگو می‌کند تا امت اسلامی به پیروی از آنها عارفانه‌تر شوند و بپذیرند که آنها، مردمانی بوده‌اند که به پیمان خویش با خداوند، جامه‌ی عمل پوشانده‌اند.

ما در این کتاب، موضوعات و دیدگاه‌های خویش را با روش زیرین به دانشجویان سال دوم دانشکده‌ی شریعت اسلامی دانشگاه الأزهر ارائه شده، بیان نموده‌ایم؛ و از خداوند حکیم خواهانیم، گام‌های مان را در راه خدمت به دین استوار گرداند و برای انجام دادن بهترین کارها در نزد خویش، توفیق عالی نصیب ما گرداند.

تاریخ روش قانونگذاری در اسلام

مختصر - انشعاب ۱۰ سال دوم دانشکده‌ی شریعت دانشگاه الأزهر. (چهار واحد)

طرح درس:

- آشنایی با معنای شریعت، نیاز به آن، تشریع آسمانی و وضعی و تفاوت آنها؛

- دوره‌های سپری شده بر شریعت اسلامی

الف- دوره‌ی اول: بیان اوصاع و - الا - عرب به هنگام بعثت پیامبر ﷺ، قانونگذاری در عصر نبوت، پی‌ریزی شریعت در مکه و مدینه، مصادر و منابع شریعت اسلامی در این دوره:

۱. کتاب الله. بیان چگونگی نزول قرآن، نزول متعین و حکمت الهی آن،

نگارش و حفظ قرآن، سوره‌ها و آیات مهم در مدنی، نشانه‌های

تشخیص و جداسازی آنها از همدیگر.

۲. سنت. تعریف آن، حجیت و مزیت آن در تشکیل شریعت اسلامی،

اجتهاد در عصر نبوت.

ب- دوره‌ی دوم. قانونگذاری در زمان خلفای راشدین و مصادر آن در این دوره:

۱. قرآن. جمع و تدوین قرآن در يك مصحف، تفاوت صحابه در فهم

قرآن.

۲. سنت. روش صحابه در عمل به آن.

۳. اجماع. بیان سهولت آن در این دوره.

۴. رأی. دیدگاه صحابه در این باره، جمع و تلفیق نکوهش رأی و عمل به آن، اختلاف دیدگاه صحابه و اسباب آن، مفتی های مشهور در این عصر.

ج- دوره سوم: وضعیت تشریع در این عصر، دیدگاه عمومی درباره ی خوارج، پراکندگی علمای مسلمانان در شهرها و مناطق مختلف، گسترش حدیث، پیدایش جعل کنندگان حدیث و اثر آن در تشریع، تقسیم بندی علماء به اهل حدیث و اهل رأی، رواج مذهب استناد به حدیث در حجاز و بیان سبب و ویژگی های آن، مفتی های مشهور در این عصر.

د- دوره ی چهارم: عامل نشاط و رونق فقه، قانونگذاری در این دوره و عنایت خلفا به فقه و فقها، دادن آزادی نظر و پردازی به صاحبان نظریه، کثرت جدل، فراوانی رخدادهای جدید که نیازمند پاسخگویی فقهی به آنها بود، تأثیرپذیری اذهان از فرهنگ و آداب و رسوم ملت های مختلف، تدوین فقه و تفسیر.

پیدایش مذاهب فقهی: ۱- امام ابو حنیفه، روش او در استنباط احکام فقهی و معرفی یاران معروف ایشان و اثرگذاری آنها بر فقه. ۲- امام مالک و روش او در استنباط احکام فقهی و معرفی یاران مشهور وی. ۳- امام شافعی و بیان جاهایی که او بدانها سفر نموده و بیان اثرگذاری ایشان در آن نقاط، روش او در استنباط احکام فقهی، معرفی یاران معروف ایشان. ۴- امام احمد بن حنبل، روش او در استنباط احکام فقه و بیان اسباب کم بودن پیروان ایشان.

ه- دوره ی پنجم: اوضاع تشریع در این دوره، توجه به ریشه یابی احکام وضع شده از سوی صاحبان مذهب فقهی، ترجیح و اختیار آراء از میان آراء مختلف درون یک مذهب، بیان کوشش انجام گرفته از جانب هواداران هر مذهب برای حمایت و گسترش مذهب خویش.

و- دوره ی ششم: گسترش تقلید و علل آن.

پیشگفتار

معنای تشریع

تشریع، مصدر است از: «شَرَعَ» از باب تفعیل که از ریشه‌ی «الشریعه» گرفته شده است؛ و از جهت لغوی بر دو معنی وارد شده است: ۱- راه مستقیم که در آیه:

﴿ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَىٰ شَرِيعَةٍ مِّنَ الْأَمْرِ فَاتَّبِعْهَا وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (جاثیه: ۱۸)^۱

«سپس تو را در راه آیینی [دستوری] از امر [نداست] نهادیم. پس آن را پیروی کن، و هوس‌های کسانی را که نمی‌دانند، پیروی مکن.»

به این معناست. ۲- راه ورود به آب جاری به آیدن نشیدن (ورودی آب جاری)؛ و معنای جمله‌ی: شَرَعَتِ الْإِبِلُ (شتر بر محل نوشیدن آب وارد شد) می‌باشد.

بدین گونه، واژه‌ی شریعت در زبان و اصطلاح فقها، رایج‌ترین معنای آن است که خداوند پی‌ریزی کرده، به کار برده شد تا به آنچه که ضامن خوشبختی دنیا و آخرت است، ایمان آورده و به آنها عمل نمایند؛ از این رو، چون این احکام، در دین بوده و زیرسازی آنها اصولی و محکم است و از نظام بندیش منحرف نمی‌شوند و راهی مستقیم، پیش از رسیدن به مقصدش، پیچ و خم ندارد، و از آنجایی که مانند آب که سبب زندگی انسان‌ها و باعث حیات روان‌ها و توشه‌ی عقل است، این احکام، شریعت نامگذاری شد.

۱. ترجمه‌ی تمامی آیات برگرفته از تفسیر نور (نوشته‌ی دکتر مصطفی خرم‌دل) است.

«شَرَعَ» از همین معنای شریعت که ایجاد شریعت است، ساخته شده و هنگامی که قواعدی پی‌ریزی و تبیین شد و احکام (بایدها و نبایدها) اعلام شد، به آن «شرع الدین» یا «شرع» (قرار دادن دین به عنوان قانون و برنامه‌ی زندگی مردم) گفته می‌شود که در قرآن نیز به این مورد اشاره شده است:

﴿رَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ إِنَّ إِلَهًا لَّهُمُّوَاسَىٰ وَمُوسَىٰ وَعِيسَىٰ أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُهُمْ إِنْهَ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ﴾ (شوری: ۱۳)

«ار [احکام] دین، آنچه را که به نوح در باره آن سفارش کرد، برای شما تشریع کرد و آنچه که در موسی و عیسی کردیم و آنچه که در ابراهیم و موسی و عیسی سفارش نمودیم این است که: "دین را برپا دارید و در آن تفرقه‌اندازی نکنید." بر مشرکان آنچه که ایشان را به سوی آن فرا می‌خوانی، گران می‌آید. خدا هر که را بخواهد، به سوی خود برمی‌گزیند، هر که را که از در توبه درآید، به سوی خود راه می‌نماید.»

و همچنین فرمود:

﴿أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ شَرَعُوا لَهُمْ مِنَ الْآيَاتِ مَا لَمْ يَأْذَنْ بِهِ اللَّهُ وَلَوْلَا كَلِمَةُ الْفَصْلِ لَفُصِّیَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ (شوری: ۲۱)

«آیا برای آنان شریکانی است که در آنچه خدا بدان اجازه نداده، ایشان بنیاد آیینی نهاده‌اند؟»

بر این اساس، تشریع عبارت از پی‌ریزی و ایجاد قوانین و بیان احکام است؛ و تشریع با این معنا، فقط در زمان رسول الله ﷺ و تنها از سوی ایشان صادر شده است؛ زیرا خداوند به کسی جز پیامبرش اجازه‌ی شریعت‌گذاری نداده و روش ایشان نیز در این زمینه، به دو گونه‌ی وحی (= قرآن) و سنت بود؛ بنابراین، در زمان پیامبر ﷺ، قواعد کلی وضع شد و احکام (بایدها و نبایدها) پی‌ریزی گردید؛ مجمل^۱ و مبهمات

۱- مجمل: آنچه که به معنایی دلالت می‌کند ولی منظور از این معنا بدون وجود معین کننده‌ی مشخص نمی‌باشد.

احکام، آشکارا بیان شد و نسبت به مقید^۱ نمودن مطلق^۲ و خاص گردانیدن^۳ احکام عمومی، اقدامات لازم انجام داده شد و هر حکمی که به خواست خداوند باید منسوخ می شد، نسخ گردید؛ همچنین علت احکام فقهی به صورت جزئی بیان گردید تا حکم کلی از آن برداشت شده و در هر زمان و احوالی، تطبیق آن حکم بر موارد نو که مشابه این حکم جزئی باشد، امکان پذیر گردد.

روی مهم رفته، زیربنای این شریعت و اصول آن، در زمان پیامبر ﷺ استوار و کامل شده و در قرآن، در این آیه نمایان شد:

﴿الْيَوْمَ أَتَمَمْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا مَنِ آتَمَرَ فِي مَخَصَصَةٍ غَيْرِ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ عَفُوٌّ رَحِيمٌ...﴾

(مائده: ۳)

«امروز [احکام] دین شما را برای تار کامل کردم و [با عزت بخشیدن به شما و استوار داشتن گام‌های تان] نعمت من را بر شما تکمیل نمودم و اسلام را به عنوان آئین خدا پسند برای شما برگزیدم...»

همچنین می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ رُوِيَ أَنَّهُ قَالَ: مَنْ كَفَرَ فَإِنَّ نَزْعَهُ فِي شَيْءٍ فَرَدُّهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا﴾

(نساء: ۵۹)

«اگر در چیزی اختلاف داشتید [و در امری کشمکش پیدا کردید] آن را به خدا [با عرضه به قرآن] و پیغمبر او [با رجوع به سنت نبوی] برگردانید [تا در پرتو قرآن و سنت، حکم آن را بدانید؛ زیرا خدا قرآن را نازل، و پیغمبر آن را بیان داشته است. پس

۱- مطلق: آنچه که فقط به ماهیت دلالت می کند مانند رجل

۲- مقید: آنچه که به ماهیت با قیدی از قبود آن دلالت می کند

۳- خاص گردانیدن: تخصیص حکم عام به موارد خاص

باید چنین عمل کنید] اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارید؛ این کار [رجوع به قرآن و سنت]، برای شما بهتر و خوش فرجام‌تر است.»

این آیه گواهی می‌دهد که ارجاع مسأله‌ی اختلافی به الله، همان رجوع به قرآن و ارجاع آن به رسول الله ﷺ، رجوع به ایشان در زمان زندگی و رجوع به سنت او پس از درگذشت وی می‌باشد؛ و خداوند در این باره می‌فرماید:

﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾

(آل عمران: ۳۱)

«با و اگر شما را دوست می‌دارید، از من پیروی کنید تا خدا شما را دوست بدارد و گناهان‌تان را ببخشد. که خداوند آمرزنده‌ای مهربان است.»

پیامبر ﷺ نیز می‌فرماید: «رَبُّنَا فِيكُمْ أُمْرَيْنِ، لَنْ تَصِلُوا مَا تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا: كِتَابَ اللَّهِ، وَسُنَّةَ نَبِيِّهِ». «دو چیز را می‌رسد پس از خودم به یادگار می‌گذارم و تا زمانی که به آن دو تمسک بجوید، هرگز راه نجات نخواهید یافت: کتاب خدا و سنت پیامبرش؛^۱ و نیز می‌فرماید: «بُعِثْتُ بِالْحَنِيفَةِ السَّمِیَّةِ». «با دین توحید و آسان گیر مبعوث شده‌ام.»^۲

از این سخنان روشن می‌شود که پیامبر ﷺ پس از تکمیل کردن زیرساخت‌های شریعت، رخت از جهان برپست. در حقیقت، آنچه از احکام که پس از درگذشت پیامبر ﷺ با اجتهاد صحابه و تابعین، ثابت شده، قانونگذاری نبوده و آن، رویکردی جز گسترش قواعد کلی و تطبیق آنها بر پیشامدهای جزئی و بدینسان احکام از نصوص و منابع شرعی، گفته نمی‌شود؛ و در مواردی که حکمی آشکار از دین شرعی درین وجود نداشته، بر این قواعد کلی، قیاس می‌شود.

بنابراین، سرچشمه‌ای جز کتاب (قرآن) و سنت - هر اندازه هم که روزگار طولانی شود - برای شریعت گذاری وجود ندارد؛ بر این پایه، اطلاق و نسبت تاریخ تشریع اسلامی به غیر از آنچه در زمان نبی ﷺ وضع شده، درست نیست؛ و احکام جزئی را

۱- موطای مالک: باب التَّهَيُّي عَنْ الْقَوْلِ بِالْقَدَرِ

۲- مسند حنبل: (۲۶۶۱۵)

که توسط مجتهدان بعد از زمان تشریع، تبیین شده، در بر نمی‌گیرد؛ ولی از آنجایی که این علم - دانشی که ما در صدد پرداختن به آن هستیم - تنها به بررسی زمان نبی ﷺ مقید نمی‌باشد و شامل عوامل عارض شده بر فقه تا عصر حاضر نیز گردیده و درباره‌ی فقها و مجتهدان و تأثیر علمی آنها بر این علم در زمان‌ها و مراحل گوناگون، سخن می‌گوید، واجب است تاریخ تشریع را بازتر کرده و بگوییم تاریخ تشریع اسلامی، علمی است که از وضعیت فقه اسلامی در عصر نبوت و پس از آن، برای تعیین زمان ایجاد احکام فقهی و درباره‌ی ناسخ و منسوخ و تخصیص و فروعات احکام و از حال و اوضاع آنها، بجز دانستن تأثیرگذاری آنها بر این احکام، سخن می‌گوید.

در نتیجه، واژه تاریخ تشریع پس از گسترش تعریف آن، مترادف تاریخ فقه اسلامی شده و همان معنی را می‌رساند.

نیاز به قانونگذاری

از آغاز آفرینش، مردم بدون توجه به نیازهای خود، در فراز و نشیب زندگی خود، تحت تأثیر گرایش‌های غریزی مختلف زندگی می‌کنند؛ و سرشت انسان نیز حکم می‌کند که تنها به زندگی شخصی خود نپردازد؛ چون انسان به‌طور زیست اجتماعی و نیازمند همیاری هم‌نوع خود در برآوردن احتیاجات و تکمیل راه‌های زندگی خویش می‌باشد؛ زیرا به تنهایی نمی‌تواند نیازمندی‌های خود را برآورده سازد. بدین گونه است که زندگی انسانی، حیاتی اجتماعی است که هر عضوی از اعضای آن، خشتی از ساختار جامعه را تکمیل می‌کند؛ و از نتیجه‌ی تلاش همگانی است که زندگی، راحت و آرام، تنظیم می‌شود؛ و چون طبیعت انسان نیز بر نفس مبتنی بوده و خوددوستی در نهاد او گنجانده شده، هر کسی به دنبال دستیابی به بیش‌ترین لذت و آسایش برای خود می‌باشد. (مبتنی بودن طبیعت انسان بر خوددوستی، سبب ایجاد حرکت و پویایی جامعه‌ی انسانی می‌شود. مترجم)

اگر انسان‌ها به حال خود رها شوند، استبداد رأی پدید خواهد آمد؛ (هر کسی سعی می‌کند نظریه خود را به کرسی بنشاند) و با شناختی که نسبت به تضاد سلیقه‌ها و اختلاف برداشت‌ها داریم، هر کس به دنبال ارضای شهوات خود خواهد رفت؛ و اگر نظامی وضع نشود تا براساس آن، نیکی‌ها از زشتی‌ها متمایز نگردیده و خواست‌های نردی در اندازه‌ای صحیح متوقف نشود، و چگونگی ارتباط لازم میان آنها نظم ندرد و به سوی کرانه‌های خیر - برای تأمین مصالح مورد نیاز جامعه - راهنمای نشود. پیش‌های مردم، رو در روی هم قرار گرفته و راه‌های رسیدن به خیر بر آنان پوشیده خواهد شد و مسیر زندگی آنها در تاریکی ادامه خواهد یافت؛ تا جایی که فردی به فرد دیگر رگرسی به گروه دیگر، توجه و نرمی نخواهد کرد. بنابراین زندگی فرد - اگر وصیت، بق توصیف ما درهم ریخته باشد - زندگی حیوانی و ناقص خواهد بود که از هیچ گونه آرامش و هدفی برخوردار نبوده و زندگی جامعه، به حیات شیطانی و سرکش تبدیل خواهد شد که حقایق، اجازای زندگی داده نشده و میزان شناخت خیر و حق، موافقت آن با واهش‌های نفسانی خواهد بود و زندگی را به سوی بی‌برنامگی خواهد کشاند.

آنچه گفته شد، توصیفی مختصر درباره‌ی زندگی تها از قیود و آداب است؛ و برای شما آشکار است که این حالت، نادیده گرفتن سرشت است که مردم را در طول حیات، به یکدیگر پیوند داده و قطع رگ‌های درهم فرو رفتن انسانی است که خداوند، بافت آن را از آغاز آفرینش انسان (مرد و زن) محکم گردانیده است؛ و تنها راز تقسیم بندی انسان‌ها به قبایل مختلف، به دست آوردن شناخت از همدیگر است. بدین جهت، خداوند طبیعت گروه‌های بشری را از قدیم، به گونه‌ای قرار داده که نیاز خود به ایجاد نظامی که پراکندگی آنان را جمع نموده و اسباب آسایش زندگی و حرکت را فراهم نماید حس می‌نمودند، این احساس نیاز به نظام یا قوانینی که جماعت انسانی به سود خویش اختیار و ترسیم می‌نماید، در اصطلاح، تشریع (قانونگذاری) وضعی گفته می‌شود.

بنابراین، تشریع وضعی، همان قانونی است که گروه‌های انسانی، برای ادامه‌ی زندگی با پرتوافکنی این قوانین، به تنظیم جایگاه و وظایف افراد و تنظیم کلی زندگی انسان می‌پردازند؛ ولی از آنجایی که تشریع وضعی، رهاورد نیازی است که جامعه در محیط محدود خود احساس کرده و خاستگاه ایجاد آن، انسان است که درک و توانایی او به هر اندازه‌ای از پیشرفت برسد، باز هم محدود بوده و از رخدادهای آینده ناآگاه است. از آنجایی که انسان‌ها کاملاً از نظام وضعی اطاعت ننموده و خویش را برای پیروی از ادب، تربیت نمی‌نمایند و فقط زیر سلطه‌ی نیروی مسلطی که با وعده‌ی پاداش دادن، به کارهای خوب تشویق می‌نماید و با تهدید کیفر، از کارهای بد باز می‌دارد، فره نبر است، نیاز مردم به تشریع آسمانی، کاملاً مشهود است که این نوع از تشریع، مافوق تشریع وضعی مردم بوده و بر نیازهای حال و آینده‌ی آنها احاطه‌ی کامل دارد؛ و حدود روابط لازم اجتماعی و همچنین روابط فرد با پروردگارش را به کامل‌ترین شکل مشخص می‌نماید که این نیروی مسلط را نیروی عقیده‌ای که در نهان و آشکار بر او چیره است و بازدارندگی را در درون انسان پدید می‌آورد، ایجاد می‌کند.

بنابراین، سنت الهی از زمان آماده شدن زمین برای زندگی مردم، بر این پایه بوده که قوانینی را برای آنها وضع نماید و پیامدانی را از جنس خودشان بفرستد تا در صورت اطاعت همه جانبه از آنها، به مردم مژده فرستد؛ در دنیا و آخرت دهند و همچنین، در صورت نافرمانی، آنان را از خسران و تباهی و بارجامی بیم دهند:

﴿رُسُلًا مُّبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُكْمٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا﴾ (نساء: ۱۶۵)

«ما پیغمبران را فرستادیم تا [مؤمنان را به ثواب] مژده دهند و [کافران را به کیفر] بیم دهند باشند؛ و پس از آمدن پیغمبران دلیلی بر خدا برای مردمان نماند؛ [و نگویند که اگر پیغمبری به سوی ما می‌فرستادی، ایمان می‌آوردیم و راه عبادت در پیش می‌گرفتیم]؛ زیرا حکمت خداوند، فراگیر است [و کارهایش از روی قدرت و حکمت انجام می‌پذیرد].»

این تشریع آسمانی، همان است که به دین، ملت و شریعت معروف شده است؛ دین می باشد چون عبادت و مذهب مردم است؛ و ملت می باشد چون بر مردم دیکته می شود؛ و از آنجایی که احکام مشروع و روش روشنی است، شریعت نام دارد؛ و از آنجایی که مردم مانند کودکان، رفته رفته از مرحله ای به مرحله ای دیگر گام می نهند؛ و به کمال نیز هنگامی خوراک داده می شود که بتواند آن را هضم کند، خداوند نیز آنچه مناسب با زندگی انسان و موافق کشش عقلی وی باشد، وضع می کند و این، همان راز چندگانگی شرایع است:

﴿لِكُلِّ دِينٍ شَرَعْنَا مِنْكُمْ شَرْعَةً وَمِنْهَا جَاءَ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ يَبْتَغِي كُلُّ طَائِفَةٍ مِنْكُمْ أَجَلَ اللَّهِ فَإِذَا أَتَاهَا مَوْعِدُهَا مِنْهُ وَاعْلَازَقَهَا بِمَا مَكَّنَّهَا وَكَانَ طَائِفَةٌ مُّسْتَكْبِرَةً﴾ (مائده: ۴۸)

«ای مردم! برای هر گروهی از شما، راهی [برای رسیدن به حقایق] و برنامه ای [جهت بیان احکام] قرار داده ایم. اگر خدا می خواست، همه ی شما را یک ملت می کرد [و بر یک سرشت، می سرشت؛ لذا راه و برنامه ی ارشادی آنان در همه مکان ها و زمان ها یکی می شد]؛ و این [خدا چنین نکرد] تا شما را در آنچه [از شرایع] به شما داده است، بیازماید [و فرمانبردار و نافرمان معلوم شود].»

هر چند شرایع از جهت زمانی مختلف اند؛ بعد ازشان بسیار است، ولی تفاوت آنها در فروع و تکالیف می باشد؛ اما منبع و اصلی نه به آن دعوت می نمایند، یکی است:

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِيَ إِلَيْهِ أَنَّهُ: «إِلَهُ إِلَّا أَنَا» فَاعْبُدُونِ﴾ (نبأ: ۲۵)

«ما پیش از تو هیچ پیغمبری را نفرستاده ایم، مگر اینکه به او وحی کرده ایم که معبودی جز من نیست؛ پس فقط مرا پرستش کند.»

همچنین فرمود:

﴿شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ ...﴾ (شوری: ۱۳)

«از [احکام] دین، آنچه را که به نوح در باره آن سفارش کرد، برای شما تشریع کرد و آنچه را به تو وحی کردیم و آنچه را که درباره آن به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش نمودیم که: «دین را برپا دارید و در آن تفرقه اندازی نکنید.» بر مشرکان آنچه که ایشان را به سوی آن فرا می خوانی، گران می آید. خدا هر که را بخواهد، به سوی خود برمی گزیند، و هر که را که از در توبه در آید، به سوی خود راه می نماید.»

براین، قرآن از ادیان گذشته که همگی به یکتاپرستی خداوند و پیراستن او از هر گونه بت و دعوت می نمودند، سخن می گوید؛ و همچنین به ما گزارش می دهد که خداوند به هر سرری، شریعت و روش خاصی با عبادات و تکالیف بدنی گوناگون اعطا نموده، ظهور نور پس از تاریکی و نزول باران بعد از قحطی، از جمله رحمت الهی است که اینست خداوندی در هستی جاری بوده است؛ همچنان که از نمونه های زیبایی آفرینش خدایندی اینکه پیامبرش را به سوی مردم، به هنگام گسترش نادانی می فرستد؛ در حالی که پیش از اسلام ابری غلیظ از شرک، آنها (حجاز و نواحی دیگر) را پوشانده بود و مردم به عموم حطاط رسیده و زشتی ها جایگزین کارهای شایسته گشته و فرماندهی جامعه انسانی به پست ترین انسان ها سپرده شده بود تا اینکه مردم را به این مرحله از نابسامانی کشانده بود؛ و نیاز به وجود پیامبری که آنها را از اعماق تاریک نادانی برهاند، و بی درنگ در پناه نجات کاری ها بیرون کشد و به سرفرازی برساند، عمیقاً احساس کرده بودند.

سرانجام بعثت محمد ﷺ به عنوان راهنما، نویدبخش، پیام دهنده و دعوت گر به سوی الله با اجازه و یاری او چون چراغی نور پرداز که خداوند، سبحانه و تعالی، انتخابش کرده بود، اتفاق افتاد. پایان بخش پیامبرانی که از نظر تکامل از حدیث به حدی رسیده بود که شایستگی پیامبری را پیدا کرده و خرد دیگران نیز آمادگی پذیرش هدایت کامل را یافته بود. در این برهه از زمان، خداوند او را با هدایت و دین حق فرستاد تا این دین، بر تمام ادیان برتری بیابد؛ و کفی بالله شهیداً.

تشریع آسمانی و وضعی

از مباحث پیشین دریافتیم که قانونگذاری، ضرورتی انکارناپذیر از نیازهای جامعه‌ی انسانی است که برای حفظ کیان جامعه و حمایت از شهروندان با تأمین امنیت، پابرجا و با اجرای عدالت و برابری میان آنها لازم است. همچنین، حکمت و رحمت خداوند نسبت به بندگان از آغاز آفرینش، اقتضا کرده که بندگان با رهنمودهای دین را آیینی بندگی نمایند که سود آن، با ایجاد نظم، تضمین و کفالت، شکل‌های گوناگون خیر را که خداوند قادر به آن نبودند، عاید خودشان شود.

طبق عرف جاری در اسلام، اساس مطالب پیشین، به اولی تشریع وضعی و به دومی تشریع آسمانی تقه می‌شود. باین، تشریع آسمانی عبارت است از دستورها، رهنمودها و قوانینی که خداوند برای انسان وضع نموده و توسط پیامبری از جنس خودشان به آنها رسانده تا آن را انجام دادن آن دستورها، رهنمودها و قوانین فراخواند و مردم را به آنچه آفریدگار آمده نروده که همان پاداش برای فرمانبر و کیفر برای نافرمان است، آگاهی بخشد.

تشریع وضعی عبارت است از قوانینی که نانندگان را برای ساماندهی جامعه‌ی انسانی وضع می‌نماید؛ و اعضای جامعه نیز، آنها را در پی اجرای می‌نمایند.

تفاوت میان تشریع آسمانی و وضعی

تفاوت این دو از چند رو قابل بررسی و تأمل است:

الف- هدف تشریع آسمانی، رساندن فرد به بالاترین جایگاه اخلاق انسانی است تا با آن قوانین، پاکدلی، سربلندی، بیداری درونی و مسئولیت‌پذیری در مقابل

۱- تفاوت دستور و قانون این است که دستور موقتی و برای موضوع خاصی و به مناسبتی داده می‌شود؛ و با از میان رفتن موضوع و مناسبت، دستور هم از میان می‌رود؛ ولی قانون پایدار است. دستور ممکن است به یک زن یا گروهی داده شود؛ ولی قانون برای همگان است. برای نمونه، اینکه خداوند به ابراهیم علیه السلام می‌گوید شهر خود را رها کند و به جایی که او نشان می‌دهد برود، یک دستور است؛ و ابراهیم یک بار آن را انجام داد؛ ولی وقتی به او گفت که خود و فرزندانش را خخته کند، یک قانون است. قانون فراگیرتر از دستور است؛ زیرا هر قانونی دستور است؛ ولی هر دستوری قانون نیست. (مترجم)

واجبات پدید آمده و رابطه‌ی فرد با برادر دینی و هم‌نوعش و همچنین رابطه‌اش با آفریننده، به بهترین شکل، محکم شود؛ ولی در تشریع وضعی، فقط به وظایف فرد در برابر افراد جامعه‌ی انسانی پرداخته می‌شود؛ و اگر در مواردی به تنظیم وظایف فرد نسبت به خودش پرداخته می‌شود، تا اندازه‌ای است که به جامعه مربوط می‌شود. مانند اِدار کردن مردم به آموزش که هدف از آن، ایجاد توانایی در فرد برای تبادل منافع دیگران و کم‌تر شدن بزهکاری‌ها و ایجاد آراستگی اخلاقی است.

ب- قوانین آسمانی، پرورشی و بازدارندگی است؛ به این معنی که امر به معروف کرده و نهی از منکر داد و آن با وعده‌های نیکو ترغیب می‌کند؛ و از بدکاری‌ها با تهدیدی هراسناک، نهی می‌کند که بیش از هر چیز، باعث گرایش به نیکوکاری و پرهیز از کارهای ناپسند می‌شود. اولویت قوانین وضعی، بازداشتن از کارهای آسیب‌رسان به جامعه است؛ و اگر این بهی به انجام دادن کارهای نیک بینجامد، یکی از آثار آن قوانین است نه هدف آنها. به این سبب قوانین وضعی، فقط نقش بازدارندگی دارند. به تعبیر دیگر، پردازش قوانین آسمانی به او را بجای بیشتر از پردازش قوانین وضعی به آن است.

ج- شریعت‌های آسمانی ادیانی هستند که انسان با آنها به بندگی خداوند ناآل می‌شود. انجام دادن آنها، پاداش و سرپیچی از آنها گنا و مجازات را در پی دارد؛ بنابراین این، سزای اصلی انجام دادن یا ندادن آنها، در سرای دیگر است. هر چند کیفرهای مشخص و نامشخص این جهانی نیز وجود دارد که به حاکم این عالم هدایت می‌کند تا با آنها، سرکشان را که تا مجازات را نچشند از نافرمانی خودداری نمی‌ورزند، سزای نماید؛ ولی سزای قوانین وضعی دنیایی است که قوه‌ی مجریه و قضائیه مسئول اجرای آن هستند.

د- شریعت‌های آسمانی، کردار و پنداری را که عملی شود، محاسبه می‌کنند؛ ولی قوانین وضعی، فقط به برخی از کردارهای انسان که مربوط به دیگران می‌باشد، مانند تصرف اموال دیگران، دست‌اندازی به جسم آنها و انجام دادن کارهایی که بر افکار عمومی تأثیر می‌گذارد و بر خلاف نظام معمول است، می‌پردازد.

ه- چون شریعت‌های آسمانی قوانین وضع شده از سوی خدایی است که به آشکار و نهان بندگان تسلط دارد، این قوانین، همواره عدالت‌پیشه، تکمیل‌کننده و یاری‌گر آن چیزی است که به شکل‌های گوناگون به مصلحت بندگان منجر می‌شود؛ و این روند تا پایان زمان تعیین شده برای این شریعت‌ها ادامه می‌یابد.

قوانین وضعی، تدوین قانونگذاران در جامعه است؛ و بدون شک، وضع و گزینی قوانین، از عوامل اجتماعی، مانند عرف و رسوم محیط و عوامل طبیعی مانند زمان و مکان و وضع آب و هوایی متأثر می‌شود؛ و این عوامل و یا بیشتر آنها دستخوش تغییر می‌شوند؛ بنابراین، قوانین وضع شده که از روی حالت و زمانی خاص تدوین شده، به سبب التی دیگر که با تغییر عوامل مؤثر و شکل‌گیری قوانین رو به رو شده‌اند، هماهنگ نخواهند بود؛ حتی افکار آدمیان نیز پیوسته ثابت نبوده و دستخوش تغییر می‌شود و اندیشه‌ی آنان به هر درجه‌ای از رشد هم که برسد، قادر به پیش‌بینی رویدادهای آینده نخواهد بود؛ و نمی‌تواند، آنان را به همراه مردم در یک راه از ساختار زندگی به پیش ببرد؛ به این دلیل، مشاهده می‌نمایند که قوانین وضعی، پیوسته ناقص و نیازمند تکمیل و تغییر است؛ و گرنه، در هر دوره از زمان سست و از هدف‌نهایی دور خواهد شد؛ و این نقص، همواره با تفسیر و تغیر قانون از سوی قانونگذار جبران می‌شود.

و- قوانین وضعی، گاهی آنچه را که شریعت‌های آسمانی حرام کرده، مانند خرید و فروش شراب، راه‌اندازی مکان‌های گناه، رباخواری و ربا دهم، جایز می‌شمارد؛ یا این ادعا که به مصلحت مردم است و یا دست کم بی‌ضرر است، در همان گاهی موارد مباح و یا واجب، از جمله گردهمایی مردم در زمانی خاص را ممنوع می‌کند و یا مثلاً مردم را از کاشت پنبه به مقداری معین باز می‌دارد و یا آنان را از ازدواج، پیش از رسیدن به سنی خاص، منع می‌کند و یا اینکه بریدن دست دزد و یا شلاق زدن شرابخوار را با این ادعا که با مدنیت و تمدن همخوانی ندارد، اجرا نمی‌کند.

عبارات فوق، خلاصه‌ای از تفاوت‌های میان دو قانونگذاری است؛ و از بررسی آنها برای شما روشن شد که خواہش‌های نفسانی و عوامل تغییر پذیر و برداشت قانونگذار و اندازه‌ی برخورداری او از دانش و فرهنگ، تا چه اندازه تأثیر بسزایی در تشریع وضعی دارد.

روند تاریخی قانونگذاری اسلامی

ما در تقسیم دوره‌های تشریع اسلامی، به دو مسلک روی آورده‌اند:

۱- مسلکی که تشریع اسلامی را به انسان تشبیه می‌کند؛ یعنی همچنان که انسان، دوره‌ی کودک، جوان، میانسالی و سالخوردگی را می‌گذراند، فقه اسلامی این دوره‌ها را داشته است.

۲- مسلکی که با بر تفاوت عوامل تأثیرگذار بر قانونگذاری، در برهه‌های مختلف زمانی، به تقسیم دوره‌های تشریع اسلامی پرداخته که با بررسی انعطاف‌پذیری فقه در زمان‌های گوناگون، به شش دوره تقسیم می‌شود که ما نیز به خاطر روشنگری، این مسلک را اختیار می‌نماییم.

دوره‌ی اول: وضع قوانین در زمان پیامبر ﷺ.

دوره‌ی دوم: تشریع در دوره‌ی خلفای راشدین.

دوره‌ی سوم: قانونگذاری پس از خلفا تا اوایل قرن دوم هجری.

دوره‌ی چهارم: تشریع از آغاز سده‌ی دوم هجری تا نیمه‌ی اول قرن چهارم.

دوره‌ی پنجم: از نیمه‌ی دوم سده‌ی چهارم تا سقوط بغداد.

دوره‌ی ششم: از سقوط بغداد تاکنون.

وضعیت اعراب در زمان بعثت رسول ﷺ

پیش از بررسی دوره‌ها، بررسی اوضاع اعراب در زمان بعثت، ضروری است. پیش از بعثت نبی ﷺ عرب، امتی بدون سازمان بود که بی‌تدبیری و بی‌نظمی بر آن حاکم بود؛ و تاریکی مطلق نادانی بر آن خیمه زده و آنها هیچ گونه ارتباطی با دین یا

آیینی نداشتند و در مقابل هیچ گونه قانونی سر اطاعت فرود نمی آوردند؛ نتیجه‌ی آن، چیزی بجز لبریز شدن دل آنها از عقاید باطل و خرافی نبود؛ تا جایی که معبود خود را گاهی در مجسمه‌هایی که خود با دستان‌شان ساخته بودند، می‌پنداشتند و گاهی در ستاره‌هایی که در مقابل دیدگان‌شان ظاهر و پنهان می‌شد، می‌جستند. گروهی از آنها، آن را که با آن رشد کرده و از نیاکان خود به ارث برده بودند، حق می‌دانستند؛ و سکه را در رسوم رایج در میان قبیله‌شان جستجو می‌نمودند. آنان دارای کم‌ترین قوانین اجتماعی بودند، که به وسیله‌ی آنها، دشمنی و اختلافات‌شان را برطرف سازد و همچنین کم‌ترین عادات پسندیده و تدبیر درست را داشتند.

برخی از قوانین نیک، از شریعت پدرشان اسماعیل علیه السلام بر جای مانده بود و بعضی دیگر از دین یهود و مسیحی که پیروان آنان میان آنها و یا در نزدیکی سرزمین‌شان زندگی می‌کردند، با او مسافتی دور برای رفع نیازمندی‌های‌شان به سوی آنها می‌آمدند، و به برخی از این قوانین خود، از راه تجربه یا عرف و یا عادت دست یافته بودند که از نمونه‌ی آنها، این بود که درباره‌ی قصاص، جمله‌ی: «القتل أنفی للقتل» (= کشتن از کشتن جلوگیری می‌کند) را بیان می‌نمودند؛ و یا می‌گفتند: «الدیه علی العاقله فی الخطأ» (خویشان قاتل سوظف به پرداخت دیه در قتل غیر عمد هستند). همچنین، قانون سوگند خوردن خانواده‌ی متوهم که در هنگام ادعای خونبها، شاهد یا سندی نداشتند، نزد آنان معروف بود. از دیگر قوانین آنها، طلاق،ظهار^۲ و نکاح بود که زن از سرپرستش خواستگاری می‌شد و مرد، در از پرداخت مهریه، او را رسماً به همسری می‌گرفت.

این قوانین و مانند آنها، قانون مدونی نبود که در درگیری‌ها و اختلاف‌ها، برای دفاع از حقوق خود به آنها رجوع نمایند؛ و به گونه‌ای نبود که بر همه‌یا بیش‌تر مردم،

۱- این جمله، همسو با آیه شریفه ۱۷۹ سوره‌ی بقره می‌باشد: «ولکم فی القصاص حیاة یا اولی الابواب».

۲-ظهار: پشت کردن؛ و در اصطلاح، یعنی مردی که از همسرش دوری می‌گزید و به او چون مادر خویش می‌نگریست. این موضوع، در قرآن کریم سوره‌ی مجادله آیه ۲ نیز آمده است: «الذین یظاهرون منکم من نساءهم ما هن أُمَّهَاتُهُمْ. از میان شما کسانی که زنان خود را «ظهار» می‌کنند، آنان مادران‌شان نیستند.» مترجم.

حاکم باشد؛ بلکه قوانین کم اهمیتی بودند که برای ثبات و نظم بخشی به جامعه کافی نبود؛ و خطاکاران را از تبهکاری باز نمی داشت؛ بنابراین، اوضاع و احوال آنها بر این منوال بود تا اینکه حکمت خداوندی به گونه ای حکم کرد که شبه جزیره ی عربی خشک، بستر پرورش اسلام و جایی باشد که آفتاب هدایت از آن جا طلوع کند و بر دیگر سرزمین های جهان بتابد؛ به گونه ای که اعراب سخت دل، مدعیان دین و حامیان و مدافعان اسلام باشند و از مرزهای آن پاسداری می نمودند؛ و خداوند است که بهتر می داند نام خود را در کجا بگذارد.